

گریز

مجموعه داستان کوتاه

www.ketab.ir

محدثه میر حسینی

سرشناسه : میرحسینی، محدثه، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدیدآور : گریز : مجموعه داستان کوتاه/ محدثه میرحسینی ؛ ویرایش مصطفی
محمدی زاده، محدثه میرحسینی
مشخصات نشر : قم: شرق خیال، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۶۹۵-۵-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵
Persian fiction -- 21st century
PIR8361 رده بندی کنگره :
۸۲۶/۳۴ رده بندی دیویی :
۹۳۹۱۰۲۴ شماره کتابشناسی ملی :
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

گریز
مجموعه داستان کوتاه
محدثه میرحسینی
ناشر: نشر شرق خیال
چاپ نخست پاییز ۱۴۰۲
طرح جلد: محدثه میرحسینی
ویرایش: مصطفی محمدی زاده - محدثه میرحسینی
صفحه آرای: مصطفی محمدی زاده
ناظر کیفی و مدیر تولید: محمدرضا محقق
شمارگان ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۶۹۵-۵-۸
قیمت ۱۴۹۰۰۰ تومان



همه‌ی حقوق محفوظ و در اختیار نشر «شرق خیال» و نویسنده است.
انتشار و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در
سیستم‌های بازیابی و پخش و یا تهیه‌ی نمایشنامه و فیلمنامه از آن بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از
نویسنده ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	خرده فروشی
۲۷	چراغ هارا روشن بگذار
۴۱	عقب نشینی
۴۹	بن بست
۵۵	آسفالت سرد خیابان
۶۵	مهربان نبود
۷۱	آسانسور
۷۷	دیگری
۸۷	نینوا
۹۷	سنگی بر آب می اندازم
۱۲۹	گریز
۱۴۳	واسازی یک جنایت
۱۶۷	دلبر
۱۷۹	قصر قند

پیشگفتار

کتاب از چند جمله درباره کتاب «گریز» و نویسنده‌اش

آیسن می‌گوید: «زیستن، یعنی در درون خود با اشباح نیروهای ظلمت درآویختن، نوشتن، یعنی آزمودن ژرف‌ترین خود، حیثیتش». او به درستی بالاترین مرتبه «زیستن» و والاترین معنای «نوشتن» را توصیف می‌کند. نوشتن ابژه نیست، سوژه است. نوشتن خود، فاعلیت است؛ خلق است؛ زایش است و تکاپویی فراتر از معارف و معانی مألوف.

لذت «نوشتن»، همچون نعمت «حیات»، رازآمیزی «مرگ» و زیبایی «رویش»، ابدی، یکه و منحصر به فرد است. حتی اگر هزاران بار تکرار شود. تکرارش همچون طلوع و غروب هر روزه آفتاب، سوزان و سازنده و غریب و قریب و زیباست. نوشتن حس و مواجهه غریبی است با خود و جهان. نوعی زایش دردناک و لذیذ که همه اجزا و صور و معانی دیگر هستی را پیش چشم توبی‌مقدار، و زیر سایه‌ی خود، در حاشیه می‌گذارد؛ «حواشی سایه بر آفتاب». و البته که نوشتن، قرین و همزاد «تنهایی» است.

«نوشتن، در بهترین حالتش، در تنهایی زیستن است... از آنجا که نویسنده در تنهایی می‌نویسد، اگر حقیقتاً نویسنده باشد، هر روز باید با جاودانگی یا فقدان آن رویارو شود. برای نویسنده حقیقی، هر کتاب باید آغازی دوباره باشد برای تلاشی مجدد در رسیدن به آنچه از دسترس خارج است. او همواره باید در

کوشش برای انجام کاری باشد که تاکنون یا کسی انجامش نداده یا تلاش کرده و موفق نشده است. آن وقت، گهگاه، هر زمان که بخت همراهش باشد، موفق خواهد شد. همین واقعیت که از گذشته تا حال نویسندگان برجسته ای در عالم داشته‌ایم، نویسنده راستین را به دورها و دورترها می‌راند؛ دورتر از جایی که توان رفتنش را داشته باشد. آنجا که هیچ‌کس را یارای یاری کردنش نباشد.»

ارنست همینگوی (بخشی از خطابه دریافت نوبل)

اما وقتی از نوشتن حرف می‌زنیم از چه چیزی، از کدام نوشتن حرف می‌زنیم؟ از نوشتن به معنای دقیق، کامل و اصیل کلمه. از نوشتنی که ذات، ماهیت، سلوک و غایت نویسنده است؛ باری، از چنین نوشتنی!

از نوشتنی که حس و احساسیت و فکر و ذکر و زندگی و خلوت و غنا و شور و جنون و ماده و معنای نویسنده، در آن ظهور می‌یابد و تمامیتش در آن منعکس می‌شود؛ تمامیتش! بی‌کم و کاست. بگذارید به زبان ساده تر بگویم: از نوشتنی که تنها دلیل برای ادامه دادن است؛ تنها چراغ برای این شب دیجور؛ و تنها معنا برای این دنیا! تنها زیبا! از چنین نوشتنی!

و «گریز» این نویسنده، از همین جنس و بر همین مدار و معیار است. محدثه میرحسینی هنرجوی عزیز و مبرز من، سالها، در خلوت خویش، به غوری جانانه در جهان ادبیات و سیر و سلوکی سخت و شیرین و مستمر و پایدار در دنیای هنر مبادرت ورزید، و هم آنچنان ورزیده شد که در مدت کمتر از دو سال مجموعه داستانهای کوتاهی را آفرید که همگی بی‌استثناء، استانداردهای کیفی درخوری دارند که متخبی از آنها را در این کتاب می‌خوانیم.

پشتکار، دقت، تمرین، مطالعه به معنای اعم و مطلق کلمه، نه فقط در جهان ادبیات بلکه در جهان هستی، و البته استعداد و می‌توان گفت نبوغ ذاتی او مجموعاً منتهی به تعدادی از بهترین داستانهای کوتاهی شد که در طول همه این سالها که تدریس و تدریس ادبیات و سینما دلمشغولی‌ام بوده، خوانده‌ام.

او در استخدام معانی و کلمات و به کارگیری درخور عناصر داستانی در جهت روایت ویژه خود به خصوص در حوزه فضاسازی و خلق شخصیت‌ها و موقعیت‌های بدیع، چونان ذهنی منتظم و درخشان، رهبری ارکستر متنوع و گسترده ابزار و ادوات داستانی را به شایستگی و زیبایی به انجام می‌رساند.

انعکاس جهان زیسته، آفرینش بکر، مضامین سترگ، چیدمان زیبایی‌شناسانه عناصر و مهمات داستان، ریتم درست و ضرباهنگ جذاب، زبان پیراسته، محکم و غنی، ابداعات مفهومی و گره‌افکنی‌ها و گشایش‌های خلاقه و غافلگیرکننده و البته ریخت‌شناسی و افق زیبا و هنرمندانه ملهم از همه این مولفه‌ها، مجموعاً داستان‌های او را «ارزشمند» و «شیرین» کرده است.

خوشحالم که شاهد توفیق او هستم؛ به خصوص با این مختصات و این نشانه‌ها که بشارت دهنده تکاپو و تداوم نویسنده‌ای خلاق، خوش قریحه و خوش آتیه است. نویسنده‌ای که ادبیات را می‌شناسد، تحصیل هنر کرده، باستان‌شناس است، نقاشی می‌کند، سینما را خوب دیده، زیبایی را زیسته، و به قلمش وفادار است.

ایدون باد.

محمد رضا محقق
نویسنده، مدرس سینما و ادبیات